تأملاتی پیرامون تألیفات تقریبی و وحدت‌آفرین جهان‌اسلام

دکتر کامیار صداقت ثمرحسینی
عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مقاله حاضر در وبگاه رسمی اولین همایش بین المللی بحرانهای ژئوپلیتیکی جهان اسلام – دانشگاه شهید بهشتی تهران منتشر شده است.

http://conf.islamic-world.ir/index.php/conference-news/-۰۲-۲۰۱۶-۴۶
۳۴-۵۴-۰۷-۰۱

وب نوشت شیعه شناسی

http://kamyarsedaghat.blogfa.com/post/۷۴۰



تأملاتی پیرامون تألیفات تقریبی و وحدت‌آفرین جهان‌اسلام

اصحاب وحدت اسلامی و علمای تقریبی مذهب امامیّه، همواره از محققان بنام و خردمندان بزرگِ روزگارِ خود بوده‌اند که در صفِ مقدم مبارزه با وهابیّت و تکفیر و افراطی‌گری و مقابله با استعمار دولت‌های غربی قرار داشته‌اند. جریان تقریب مذاهب اسلامی را نباید تنها در پاره‌ای از مباحث فقهی محدود کرد و نقش آنان را در مبارزه مشترک با غرب‌گرایی و مظاهر فرهنگِ مادی و حراست از نهاد خانواده؛ و نیز مجاهدت‌های آنان را در مبارزه با استعمار و اشغالگری رژیم غاصب صهیونیستی نادیده گرفت؛ بنابراین یکی از گام‌های مهم تقریبی همه‌جانبه نگری و داشتن افق وسیعی در شناخت جهان و نظام‌های انسانی موجود در آن است.

گام دیگر آنکه بدانیم تقریب مذاهب اسلامی در صف مقدم مبارزه با تکفیر و افراطی‌گری است. زمانی که «ابراهیم الجبهان» مجموعه مقالاتی را در تکفیر شیعه نگاشت، علمای بزرگ آن دوران، همچون: آیات عظام سیّد ابوالحسن رفیعی قزوینی، علّامه حاج میرزا خلیل کمره‌ای، حاج شیخ عبدالکریم زنجانی، حاج شیخ محمد صالح حائری (معروف به علّامه سمنانی) و حاج شیخ محمد خالصی و ... با نگارش تألیفاتی ذی‌قیمت، یکی از مهم‌ترین مجموعه منابع وحدت‌آفرین معاصر را به وجود آوردند؛ یعنی آنان، در عین دفاع از حریم مذهبِ امامیّه در برابر تهمت‌های ناروای شیوخ تکفیری، گرفتار نقشه‌های تفرقه‌آمیز دشمنان اسلام نشدند و از مسیر وحدت اسلامی خارج نشدند. همین موضوع در قبال نقد آثار تکفیری محب‌الدین الخطیب که امروزه از مراجع اصلی فتاوی شیوخ سعودی درباره شیعه امامیّه است، دیده می‌شود. در مقاله‌ای که ان شاء الله در آینده نزدیک منتشر خواهد شد، نشان داده‌ام که یکی از مهم‌ترین منابع تقریبی ما مجموعه تألیفاتی است که توسط علمای شیعه امامیّه در نقد نسبت‌های ناروا و بی مأخذ وهابیان نوشته شده است. آثار آنان اگرچه در فواصل زمانی مختلفی نوشته شده است ولی به جریان وحدت اسلامی عمق و معنایی عمیق بخشید و ازاین‌رو اینکه بزرگان تقریب و

وحدت اسلامی از شیعه و سنی می‌گویند مراد «تقریب است نه تذویب» [که در سخنرانی حضرت آیت‌الله سبحانی در دانشگاه یرموک کشور اردن هاشمی] بر آن تأکید شد، حقیقتی است که عملاً جاری و ساری بوده است.

دیگر گام مهم در مطالعات تقریبی آنکه: یکی از مهم‌ترین ویژگی تألیفات تقریبی و وحدت‌بخش، احاطهٔ نویسندگان آن‌ها به منبع‌شناسی روزِ دنیای اسلام است که موجب گشایش افق دیدِ آنان می‌شود. از طریق توجه به بسامدهای منابع می‌توان جهت‌گیری‌های دوست و دشمن را تمییز داد و از میان دشمنان نیز دشمن مغرض را از دشمن نادان جدا ساخت. منبع‌شناسی همچنین قدرت وسیعی در استنادهای درست و به‌موقع از منابع گوناگون، به نویسنده می‌دهد و علاوه بر آن قدرت استدلال را افزایش می‌دهد. همچنین منبع‌شناسی تحلیلی می‌تواند محقق را در تشخیص اصالت متون و افشای تزویر مغرضان یاری کند؛ این شیوه را در آثار علّامه عبدالحسین امینی بسیار دیده‌ایم و مرحوم آیت‌الله کمره‌ای فصلی را با نام «کشف خیانت خیاطان شام و مصر در اسناد آسمانی و الهی» نوشته است که چگونه برخی از نویسندگان در نقل روایتی، بخشی از آن را بریده‌اند تا مطابق عقیده‌شان شود. معظم له چنین عملی را به بازی با عقربک قطب‌نمای کشتی و تاریک کردن خطوط نقشه‌ها تشبیه می‌کند که سرانجامی جز غرق کشتی ندارد.

توجه به نقاط مشترک میان فریقین دیگر گام مهم تقریب است. علمای تقریبی حدیث ثقلین را محور دعوت تقریبی خود قرار داده و بر نقاط موردِ اتفاق مسلمین مانند عقیده مشترک فریقین به «خدای واحد»، «پیامبر واحد (ص)»، «کتاب واحد: قرآن کریم»، «قبله واحد» و .... تأکید کرده‌اند. در جامعه‌شناسی حوزه تضاد و وفاق، نقاط مشترک میان اعضای یک جامعه بسیار اهمیت دارد. هر نقطهٔ اشتراکی میان مذاهب یک دین به مثابهٔ رشته و رابطِ پیروان آن‌ها با یکدیگر است و از همین روست که اصحاب تفرقه می‌کوشند تا با کم کردن نقاط اشتراک، از نزدیک شدن مسلمانان به یکدیگر جلوگیری کنند و بذر نفاق و تفرقه را چنان انگلی کشنده به جان مسلمانان می‌اندازند.

عالمان تقریبی به ما آموختند که احساسات را نباید بر عقل و دین حاکم کرد و اعصاب عمومی را بر ضد یکی از مذاهب اسلامی تهییج کرد؛ بلکه باید مستدل و مستند، معارف امامیّه را بدون حمله به معتقدات و مقدسات سایر مذاهب اسلامی عرضه کرد و جانب

اخلاق اسلامی را نگاه داشت. همان کار بزرگی که مرحوم آیت‌الله علّامه محمدرضا مظفر (۱۳۲۲ – ۱۳۸۳ ه.ق) با تألیف کتاب ارزشمند «عقائد الامامیة» انجام داد و از سفارش‌های مؤکد آیت‌الله‌العظمی سیّد حسین بروجردی آن بود که «اگر می‌شنیدند کسانی با اعمال خود موجبات نفاق و تفرقه شده است، در هرکجا و هر مقامی که بودند مورد توبیخ ایشان قرار می‌گرفتند.» (نقل از کتابِ خاطرات داماد ایشان مرحوم آیت‌الله علوی بروجردی)

و باید که سوءنیت‌ها را از سوء تشخیص‌ها جدا کنیم و در کامل مبرد و کشف الغمه و مناقب شهرآشوب و برخی دیگر از منابع اسلامی (با الفاظ مختلف) از ابن عایشه نقل است که روزی حضرت امام حسن بن علی علیهماالسلام در حال عبور از مسیری بود که مردی شامی به او رسید و چون حضرت را دید، مسحور وقار و جلال امام (علیه‌السلام) شد. نام حضرت (علیه‌السلام) را پرسید: امام (علیه‌السلام) فرمود: حسن بن علی بن ابیطالب (علیهم‌السلام) و مرد متأثر از تبلیغات دشمنان، زبان به بدی و زشتی گشود. امام علیه‌السلام خاموش بود تا سخن مرد به پایان رسید؛ آنگاه بشاش و خندان او را سلام داد و فرمود: ای مرد به گمانم عربی غریب هستی که درباره من به‌غلط افتاده‌ای؛ همانا که از ما طلب خشنودی کنی رضای تو جویم و اگر سؤال کنی ترا عطا فرمایم و اگر طلب راه راست کنی تو را هدایت کنم و اگر اسبی باید ترا سوار کنم و اگر گرسنه‌ای سیرت کنم و چنانکه برهنه‌ای بپوشانمت و اگر نیازمندی بی‌نیازت کنم و ... و ... و چنان باران رحمت امام باریدن گرفت که آن مرد به گریه افتاد و گفت: «الله یعلم حیث یجعل رسالته» پیش‌تر هیچ‌کس را از تو و پدر تو دشمن‌تر نداشتم و اکنون هیچ آفریده را از تو و پدرت در روی زمین دوست‌تر ندارم.

علمای در مبارزه با نسبت‌های ناروای مغرضانی همچون عبدالله علی القصیمی و یا ابراهیم الجبهان و یا محب الدین الخطیب و موسی جار الله، سوءنیت را از سوء شناخت و تشخیص جدا کردند و با شجاعت و قدرت علمی، سوءنیت آنان را بر همه مسلمانان آشکار کردند و درعین‌حال توجه داشتند که موضعِ تبلیغاتی مخالفان مغرض وحدت اسلامی خاصه وهابیان، موضع خاص آن‌هاست و ارتباطی با اکثریت اهل سنت ندارد، هرچند در مواقعی به دلیل تبلیغات اقلیت و سکوت اکثریت، اقلیت، نقشِ اکثریت را بازی می‌کند.

آنان در مقابل توهین‌ها و تندی‌های شیوخ وهابی و تکفیری صبورانه به روشنگری اذهان مسلمانان پرداختند و در دفاع از مذهب امامیّه متوسل به تکرار روش‌های ناروای

وهابیان در توهین به مقدسات مسلمانان نشدند. علّامه میرزا خلیل کمره‌ای در خاطره‌ای از سفر حج خود (۱۳۶۷ ه.ق) می‌نویسد که در صُفّهٔ مسجدالنبی نشسته و در حال تلاوت قرآن بود که ناگاه دیدند در وسط مسجد غوغایی به راه افتاد و فردی را کشان‌کشان آوردند و تازیانه زدند. معلوم شد ایرانی است و جرمش کشیدن سیگار است. در اینجا بحثی میان او و شیخی مصری در می‌گیرد. شیخ مصری که گمان نمی‌برد علّامه کمره‌ای ایرانی باشد، به معظم له گفت: آن مرد ایرانی است (بگذار او را بزنند) و افزود پنج سال پیش نیز مردی ایرانی وارد مکّه شد و کعبه را ملوّث کرد و گردن زده شد و من خود از شاهدان آن ماجرا بودم. میرزا خلیل گفت که تو شاهد زور و تزویر بودی و او را قسم داد که آیا خودت به چشم سر مشاهده کردی که او کعبه را ملوّث کرد؟ در ادامه علّامه کمره‌ای استدلال می‌کند که اولاً آیا عقلاً افسانه نقشه شیعیان برای ملوّث کردن کعبه می‌تواند حقیقت داشته باشد و ثانیاً آیا قی کردن (که قی نجس نیست) آن‌هم از روی غیر عمد، می‌تواند دلیلی بر قتل ضیوف بیت‌الله الحرام باشد؟ و ثالثاً حدیثِ (من احدث فی الکعبهٔ یُقْتَل و یضرب عنقه) مختص به تغوط عمدی است؛ و با استدلال او موضع شیخ مذکور آرام‌آرام معتدل شد و از باورهای نادرست رایج درباره شیعه کمی فاصله گرفت. در حقیقت، یکی از ویژگی‌های مهم تألیفات علمای تقریبی تلاش برای آشنایی عامّه مردم با وظایف مذهبی‌شان و آموختن شیوهٔ سلوک اسلامی با سایر پیروان فرق مسلمین بود.

آیت‌الله علّامه سید ابوالحسن رفیعی قزوینی(ره) (۱۳۱۵ – ۱۳۹۵ ه.ق) یکی از آن عالمان بزرگی است که از اندیشه وحدت اسلامی و تأسیس دارالتقریب قاهره حمایت کرد و در دو رساله خود با عناوین: «حول عقائد الامامیّه فی جواب الجبهان الکویتی» و «من حول عقائد الامامیّه الموسوم برجم الشیطان لمعهٔ من انوار الطریقهٔ لتشیع فی جواب الخطوط العریضهٔ» ضمن شرح عقاید شیعه امامیّه از اندیشه وحدت اسلامی سرسختانه دفاع کرد و مسلمانان را از تعصب کور و توهین برحذر داشت و متوجه نقشه‌های استعمارگران در ایجاد تفرقه در جهان اسلام کرد. خاطرنشان می‌شود که معظم له از شاگردان آیات عظام: عبدالکریم حائری یزدی، عبدالنبی نوری، میرزا هاشم اشکوری، مسیح طالقانی بود و اجازه اجتهاد و روایت از آیات عظام حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، حاج سیّد ابوالحسن اصفهانی و حاج شیخ محمدرضا مسجد شاهی اصفهانی داشت.

او در وصف اهمیّت وحدت اسلامی و اندیشه دارالتقریب که موردحمایت آیت‌الله‌العظمی سیّد حسین بروجردی بود، می‌نویسد:

«خداوند را سپاس که حقیقتاً امروزه اندیشه دارالتقریب، دعوت هر مسلمانی (شیعه و سنی) است که برای دین خود و مبادی و اصول آن، جویای عزّت است و هدف هر مصلح دانشمندی است که درصدد انتشار مبادی حق در فضایی آرام و منصفانه است »...

نمونه‌ای دیگر از عالمان بزرگ امامیّه را که به موضوع تقریب و وحدت اسلامی توجه شایانی مبذول کرد، آیت‌الله علّامه میرزا خلیل کمره‌ای (ره) (۱۳۱۷ – ۱۴۰۵ ه.ق) فقیه، مفسر، حکیم معاصر شیعی بود. او از شاگردان آیات عظام: عبدالکریم حائری یزدی، ملّا محمد بیدهندی، سیّد احمد جاوه‌ای، میرزاعلی اکبر یزدی است. معظم له همدرس با مرحوم حضرت امام خمینی بود و از شاگردانش می‌توان به آیات علّامه سیّد مرتضی عسکری و سیّد محمود طالقانی و حاج شیخ مرتضی حائری اشاره کرد؛ و او به‌حق مؤسس کرسی درس تفسیر قرآن کریم در حوزه علمیّه قم است که در مسجد امام حسن عسکری (ره) برگزار می‌شد.

ابراهیم الجبهان در مقالات بی‌پایه و بنیان خود مدعی شده بود که «اختلاف میان امامیه و غلات تنها صوری است و نه جوهری» و این ادعای بی‌اساس که در آثار القصیمی و دیگران تکرار شده بود، منجر به نگارش کتاب «مبارزات رسول خدا صلی‌الله علیه و آله و ائمه شیعه معصومین علیهم‌السلام» از سوی آیت‌الله کمره‌ای شد که در آن کتاب، فصل‌به‌فصل و به صورتی مستند، به مبارزات پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم‌السلام اشاره کرد او در مقدمه دوّم خود بر آن کتاب می‌نویسد:

در این دوران تیره وحشت زاد بزرگ‌ترین مصیبت ما این است که از خطرهایی که ما را فراگرفته تغافل نموده و خود را به کوری زده و هر یک، دیگری را تکفیر می‌کنیم و اختلافات مجتهدین را در مسائل فرعی به‌منزله اختلاف در دین می‌دانیم. مثلاً اگر یکی از برادران هم‌کیش، نمازگزاری را ببیند که بر خاک سجده می‌کند دادوفریاد می‌کشد، بااینکه ازنظر شیعه امامیه سجده به زمین و آنچه از زمین می‌روید غیر از مأکول و ملبوس صحیح است و اما بر آن دو صحیح نیست، چون‌که خوراک و پوشاک است که معبود اهل دنیاست. متأسفانه

دولت‌های استعمارگر این تفرقه‌ها را تشدید کرده، دامنهٔ این اختلافات را به مراحل وسیع‌تری کشانده و این شکاف‌ها را توسعه بیشتری داده است و فوق‌العاده در دعوت‌های سوء خود مبالغه نموده تا جائیکه هر تهمت ناروایی را برادران ساده‌لوح ما به ما نسبت داده‌اند و هرگونه تهمت و بهتانی را برای ما تجویز نموده‌اند. مثل عبدالله علی القصیمی که کتاب «الصراع بین الاسلام و الوثنیه» را چنان نوشته است که این کتاب شیخ «ابوالسمح» پیش‌نماز حرم را در مکه اغفال کرده و در تقریظی که بر کتاب مزبور نوشته می‌گوید:

لَقْد كُنّا نَعَدُّ الرَّفْضَ جُرماً

فَبَيَّنَ كُفْرَهُ هذا الصَّراع

یعنی ما از پیش رافضی بودن را تنها جرم و گناه می‌شمردیم، اکنون این کتاب «الصراع ...» کفر شیعیان را روشن ساخت.»

افرادی چون علّامه کمره‌ای به‌خوبی متوجه این نکته شده بودند که دست استعمار در پشت چنین تألیفاتی نهفته است و با هوشمندی تمام، اهل سنت را از شیوخ تکفیری جدا کردند و موضوع را به نزاع شیعه و سنی مبدل نکردند و به بیان او:

دور نیست که از طرف دست استعمار یا اسرائیل و عمل قاعده جدایی بینداز و حکومت کن، برای آنان [امثال قصیمی، حفناوی، محب الدین الخطیب و ابراهیم الجبهان] مزدی تعیین شود.

و باز در مواجهه با وهابیّت و به‌ویژه تألیفاتِ ابراهیم الجبهان، یکی دیگر از بزرگان معاصر آسمان فقاهت و تقوی شیعه امامیّه، یعنی آیت‌الله علّامه حاج شیخ عبدالکریم بن محمدرضا زنجانی نجفی (ره) (۱۳۰۴– ۱۳۸۸ه.ق) کوشش‌های وسیعی را در مبارزه با تکفیر و افراطی‌گری به عمل آورد. او یکی از بزرگان دعوت وحدت اسلامی در دوران معاصر است و در مقام علمی معظم له همین بس که مرجعیتش به تأیید اساتیدش سیّد محمدکاظم طباطبایی یزدی و سیّد محمّد فیروزآبادی یزدی و نیز سیّد ابوالحسن اصفهانی رسیده است. توضیح آنکه آیت‌الله سیّد محمّدکاظم طباطبایی یزدی (در سال ۱۳۳۶ ق) و بعدها آیت‌الله سیّد ابوالحسن اصفهانی ارجاع به احتیاط به ایشان کردند و آیت‌الله سیّد محمّد فیروزآبادی در دوران بیماری‌اش که منجر به وفاتش شد، به سال ۱۳۴۵ ق، معظم

له را به‌عنوان مرجع تعیین کرد. (زنجانی، ۱۳۷۵: ۴ – ۵) او پاسخی محکم به کتاب الجبهان داد و آنگاه‌که مرحوم آیت‌الله عبدالکریم زنجانی در نامه‌ای به شیخ عبدالله سالم الصباح امیر کویت که به شهر نجف اشرف آمده بود، چنین نوشت:

... شاید به خاطر آورید چندی پیش در محضر شما با ما در روضهٔ حیدریه نجف اشرف قرآنی را به خط شریف امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام امام شیعیان در گنجینه کتب آن حضرت مشاهده فرمودید و مخصوصاً دریافتید که آن قرآن حرف‌به‌حرف با قرآن شریفی که بین عموم مسلمانان متداول است مطابق است، اکنون نظر شما را به نوشته جبهان کویتی در شماره ۵ مجله رایت اسلام منتشره ریاض پایتخت کشور سعودی جلب می‌نماید که نامبرده سخت به قرآن شریف و ائمه شیعه علیهم‌السلام تاخته است؛ بی‌شک او از اهریمن الهام گرفته دشمن اسلام و از معاندین کویت است.

مقاله او عموم مسلمین را ناراحت ساخته تا جایی که سیلی از نام‌ها و تلگراف‌های اعتراضیه از مسلمانان اطراف جهان به‌سوی ما سرازیر گردیده است، شایسته است که والاحضرت به این قضیهٔ فتنه‌انگیز و تفرقه‌انداز بین مسلمین توجه و اهتمام خاص مبذول فرموده، ما را از چگونگی اقدامات شدیدی که درباره مجرم ابراهیم جبهان معمول داشته‌اید مطلع فرمایند. (ان تنصروا الله ینصرکم و یثبت اقدامکم) والسلام علیکم و رحمهٔ الله و برکاته. ۱۳۸۰/۵/۱۵ه.ق امضاء عبدالکریم زنجانی»

امیر کویت پس‌ازآنکه در حرم مبارک نجف اشرف، نسخه قرآن مذکور را قرائت می‌کند، متوجه می‌شود که قرآن شیعیان کاملاً مطابقت با قرآنی دارد که در نزد مسلمین متداول است و در اثر آن مجلس بر اکرام و احترام شیعیان در کویت افزود و به آن‌ها آزادی در شعائر دینی ازجمله پخش اذان شیعه را بالای مأذنه با بلندگو داد. امیر کویت در پاسخ آیت‌الله زنجانی (ره) نوشت که «عمل این دیوانه گمراه مفسده‌جو [ابراهیم الجبهان] ما را سخت ناراحت ساخت. کاملاً میدانید و تأکید می‌کنیم که ما در احترام و تقدیس و رعایت حق اهل‌البیت با شما احساسات مشترکی داریم و لازم به توضیح نیست که این امر احساسات ما را چون شما جریحه‌دار نمود ما همگی پیرو یک دین بوده، هیچ عملی مانند کار ناشایست این نادان که به‌محض وصول خبر اقداماتش او را از کویت تبعید نمودیم، نمی‌تواند بین ما تفرقه ایجاد کند

قضایای فوق در کتاب خاطرات سفرهای آیت‌الله زنجانی که توسط محمّد سعید ثابت گردآوری‌شده و مرحوم سردار نیا آن را با عنوان «کتاب یگانگی اسلام یا هم‌آهنگی مذاهب مسلمین» به فارسی ترجمه‌شده است، به‌تفصیل موجود است.

آیت‌الله علّامه حاج شیخ محمد صالح حائری(ره)، معروف به علّامه مازندرانی (۱۲۹۷ – ۱۳۹۱ ه.ق) از شاگردان آیات عظام: سیّد محمدکاظم یزدی و میرزا حسین ابن میرزا خلیل مجتهد تهرانی بود. از آثار اوست: «تفسیر سوره حمد»، «حکمت بوعلی»، «کلمات الحجج العامرهٔ فی ظلمات اللجج الغامرهٔ فی دفع مفتریات علی الإمامیهٔ» و کتاب اخیر او در رد شبهات ابراهیم الجبهان کویتی است؛ که با هوشیاری دست استعمار را در تفرقه میان مسلمانان می‌بیند. همان‌طور که آیت‌الله حاج شیخ محمد خالصی نیز که نقدهای مفصلی بر آثار جبهان دارد، در پس هر قلمی که در پی درگیری میان مسلمانان است، تقشه استعمار را برای سلطه بر مسلمانان می‌بیند.

ادبیات تقریب و وحدت اسلامی دریای بی‌کرانی است که نمی‌توان آن را در چند صفحه چنین خلاصه کرد؛ پس به همین اندک بسنده کرده و در پایان به جریان نوینی اشاره می‌شود که در آینده به ارتقای سطح مطالعات خواهد انجامید. بحمدلله چند سالی است که مراجع معظم تقلید، حضرات آیات عظام حاج شیخ ناصر مکارم شیرازی و حاج شیخ جعفر سبحانی که سابقه‌ای طولانی در نگارش آثار علمی و تلاشی وصف‌ناپذیر در نقد وهابیّت داشته‌اند، کوشش دیگری را برای اعتلای عملی وحدت اسلامی و نفی تکفیر و ترورِ مسلمانان، سامان داده‌اند که شاید در وهلهٔ اوّل، در «کنگره بین‌المللی خطر جریان‌های تکفیری» نمایان شود؛ امّا اهمیت کار ایشان در آن است که وهابیّت پژوهی را به‌سان یک سنّت مطالعاتی در حوزه علمیّه قم پایه‌گذاری کرده و سامان بخشیده‌اند که در تأسیس مراکزی چون دارالإعلام لمدرسهٔ اهل‌البیت علیهم‌السلام (www.darolelam.ir)با آن کتابخانه‌ای غنی و روبه گسترشش و نیز دبیرخانه کنگره خطر جریان‌های تکفیری نمایان می‌شود. اساتید و محققان و محصلان آن مؤسسه، در جریان شرکت در اجلاس‌ها و کنگره‌ها تجربه می‌آموزند و به لحاظ علمی ارتقا می‌یابند؛ امری که ثمرات ارزشمند آن با گذشت زمان مشاهده خواهد شد و زمینه‌ساز مطالعاتی نظام‌مند و مستمر در این حوزه خواهد شد.